



همسانی ساختاری بند و گروه حرف تعریف: حالت و مطابقه در ترکی آذری^۱

مرتضی ملاولی^۲، یادگار کریمی^۳

غلامحسین کریمی دوستان^۴، وحید غلامی^۵، عادل دست‌گشاده^۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰

چکیده

مقاله حاضر، به بررسی حالت و مطابقه درون گروه حرف تعریف در ترکی آذری می‌پردازد. در ترکی آذری، مابین هسته اسم (مملوک) و سازه مالک، در فرافکنی گروه حرف تعریف، نوعی هم‌پراشی ساخت‌واژی وجود دارد که از چند جهت مشابه مطابقه فعل و فاعل در فرافکنی گروه زمان/ متمم‌ساز است. این پژوهش، افزون بر شمردن ویژگی‌های توصیفی این هم‌پراشی، به تحلیل مطابقه هسته اسم و مالک در ترکی آذری، در چهارچوب نحو کمینه‌گرا، می‌پردازد. به طور مشخص، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مطابقه هسته اسم (مملوک) با مالک، در گروه حرف تعریف ترکی آذری،

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.31620.1879

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج؛

m.mollavali@iausdj.ac.ir

^۳ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، دانشیار گروه زبان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان، سنندج (نویسنده

مسئول)؛ y.karimi@uok.ac.ir

^۴ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استاد گروه زبان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران؛

gh5karimi@ut.ac.ir

^۵ دکترای تخصصی زبان و ادبیات انگلیسی، استادیار گروه ادبیات انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد سنندج؛ vahidgholami@iausdj.ac.ir

^۶ دکترای تخصصی زبان و ادبیات انگلیسی، استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد سنندج؛ adastgoshadeh@iausdj.ac.ir

مبتنی بر تبادل مشخصه‌های فای و حالت، در نتیجه رابطه تطابق، در همان پیکره‌بندی ساختاری است که مطابقه فعل با فاعل از آن بهره می‌گیرد. به این ترتیب، ضمن تأیید فرضیه همسانی ساختاری فرافکن‌های گروه زمان و گروه حرف تعریف، استدلال خواهد شد که مطابقه و حالت در فرافکن‌های نحوی گوناگون از فرایندی واحد مشتق می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: ترکی آذری، تطابق، گروه حرف تعریف، ساخت‌های ملکی،

همسانی ساختاری

۱. مقدمه

در نحو کمینه‌گرا، همبستگی مطابقه^۱ و حالت برآیند ساخت‌واژی تبادل و ارزش‌گذاری مشخصه‌ها در نتیجه رابطه تطابق^۲ بین کاوشگر^۳ با مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر^۴ و هدف^۵ با مشخصه حالت تعبیرناپذیر^۶ است. پژوهش‌های نظری در پیوند با رابطه تطابق، به عنوان رابطه مبنایی و تعیین‌کننده مطابقه/حالت ساخت‌واژی، بیشتر بر حوزه گروه زمان/گروه متم‌ساز و تبیین رابطه سنتی «مطابقه فعل و فاعل» متمرکز بوده‌است؛ تا آن جاکه گویی رابطه تطابق با همه خصیصه‌ها و ویژگی‌های آن در حوزه گروه زمان/گروه متم‌ساز مصداق تجربی می‌یابد. هر چند، پیش‌بینی نظری این است که «در هر پیکره‌بندی نحوی/ساختاری»، اعم از گروه زمان یا هر گروه دیگر، در صورتی که کاوشگری با مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر در رابطه سازه‌فرمانی با نزدیک‌ترین هدف فعال قرار بگیرد، برآیند آن تبادل مشخصه‌های مطابقه و حالت است. تمرکز پژوهش‌های نظری بر رابطه تطابق در درون گروه زمان/گروه متم‌ساز تابعی از گستردگی تجربی و فراوانی بالای رخداد مطابقه فعل و فاعل در زبان‌های بشری است؛ این در حالی است که مطابقه ساخت‌واژی درون ساخت‌های غیربندی، از نظر تجربی، از فراوانی به مراتب کمتری برخوردار است (Baker, 2008, 2015). به بیان دیگر، تجلی آوایی مطابقه و حالت در درون فرافکنی‌های غیربندی، از گستره تجربی نسبتاً کمتری برخوردار است (Norris, 2017).

با این وجود، بررسی مطابقه و حالت در فرافکنی‌های غیربندی به دو دلیل از اهمیت ویژه برخوردار است. نخست آنکه، مطابقه و حالت در حوزه‌های غیربندی دلالت بر تعمیم‌پذیری رابطه تطابق در تعیین مطابقه و حالت در پیکره‌بندی‌های نحوی گوناگون دارد. دوم، چنانچه بتوان نشان

¹ agreement

² Agree

³ probe

⁴ uninterpretable phi features

⁵ goal

⁶ uninterpretable case feature

داد که مطابقه و حالت در حوزه‌های غیر بندی مبتنی بر رابطه تطابق در نحو هستند، آن‌گاه برداشت می‌شود که بین حوزه بند (گروه زمان / گروه متمم ساز) و سایر فرافکنی‌های نحوی همسانی^۱ ساختاری وجود دارد. به بیان دیگر، اگر ویژگی‌های ساختاری رابطه تطابق را بتوان در حوزه‌های بند و غیر بند به یک شیوه صورت بندی کرد، آن‌گاه شاهد تجربی دیگری در تأیید فرضیه همسانی ساختاری^۲ و همسانی مطابقه^۳ در فرافکنی‌های نحوی فراهم می‌آید (Hiraiwa, 2005).

در همین راستا، در این پژوهش، به مبحث «مطابقه فعل با فاعل» در حوزه بند (گروه متمم ساز) و «مطابقه اسم (مملوک) با مالک» در حوزه اسمی (گروه حرف تعریف) در گویش قروه‌ای ترکی آذری^۴ پرداخته می‌شود.^۵

1. **siz gid-ir-yiz**
ج-حال-رو شما
«شما می‌روید.»

2. **siz-ı(n) kitav-ıyız**
ج-مل-کتاب ح.مل-شما
«کتاب شما»

شواهد بالا نشان می‌دهند که، از چشم اندازی توصیفی، در سطح گروه حرف تعریف، هسته اسمی (مملوک) در ارجاع متقابل با مالک قرار دارد (نمونه (2)). همان گونه که در سطح بند، فعل در ارجاع متقابل با فاعل قرار دارد (نمونه (1)). مطابقه در هر دو سطح توسط وندهای تصریفی مشابه بر روی فعل و هسته اسم (مملوک) بازنمایی می‌شود. همچنین، فاعل در حالت فاعلی (بازنمایی آوایی تهی)، و مالک در حالت ملکی (-in) قرار دارد.^۶

¹ parallelism/symmetry

² structural symmetry

³ agreement symmetry

^۴ داده‌های زبانی مورد بررسی در این پژوهش برگرفته از گونه سریش آبادی شهرستان قروه است. اگرچه در میان گونه‌های ترکی آذری گوناگونی‌های واژگانی، ساخت‌وازی و آوایی وجود دارد، ساختار نحوی گروه اسمی / گروه حرف تعریف در این گونه‌ها یکسان است.

^۵ عبارات اختصاری به کاررفته در معادل‌نویسی داده‌ها: ۱=اول شخص، ۲=دوم شخص، ۳=سوم شخص، م=مفرد، ج=جمع، ح=حالت‌نما، مف=مفعولی، مل=ملکی، فاعلی.

^۶ در مقابل، در زبان‌هایی همچون فارسی، در درون گروه حرف تعریف هسته اسمی (مملوک) در ارجاع متقابل با مالک قرار ندارد آن گونه که فعل با فاعل در ارجاع متقابل است؛ همچنین نمود آوایی حالت بر روی مالک و فاعل یکسان و به صورت صفر است:

(i) شما می‌روید

(ii) کتاب / *ید- *تان شما

نتیجه این پژوهش نشان خواهد داد که مطابقه هسته اسم (مملوک) با مالک در گروه حرف تعریف ترکی آذری مبتنی بر همان پیکره‌بندی ساختاری تطابق است که در زیربنای مطابقه فعل با فاعل در سطح بند قرار دارد؛ و این‌گونه فرض نظری همسانی ساختاری گروه زمان و گروه حرف تعریف و فرایندهای دخیل در اشتقاق آن‌ها به روشنی تأیید می‌گردد.

ساختار مقاله حاضر این‌گونه است که در بخش دوم، بنیان‌های نظری پیش‌انگاشته در تحلیل داده‌های پژوهش تشریح خواهد شد. در بخش سوم، به توصیف و تحلیل مطابقه فعل با فاعل در سطح بند در ترکی آذری پرداخته، و از این رهگذر، چشم‌انداز لازم برای نگاه تطبیقی به همسانی ساختاری بین گروه زمان/گروه متمم‌ساز و گروه حرف تعریف فراهم خواهد شد. در بخش چهارم و زیربخش‌های آن، به بازنمایی، توصیف و تحلیل مطابقه مملوک و مالک در گروه حرف تعریف ترکی آذری پرداخته می‌شود؛ و با ترسیم ویژگی‌های نحوی و ساخت‌واژی آن و مقایسه آن با مختصات متناظر در مطابقه فعل و فاعل در گروه زمان به نمایی همسان از ساختار گروه زمان و گروه حرف تعریف دست خواهد یافت. در نهایت، در بخش پنجم، یافته‌های پژوهش ارائه خواهند شد.

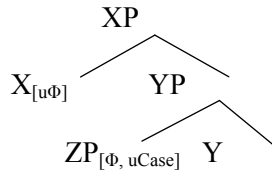
۲. مبانی نظری

با تقویت پشتوانه تجربی نظریه ایکس-تیره در نتیجه گسترش حوزه زبان‌های مورد بررسی و تعمیم‌یافتن دیگر فرایندهای نحوی دخیل در اشتقاق ساختارهای زبانی، اصل یکسانی^۱ (Chomsky, 2000) و برنهاد کمینه‌گرای قوی^۲ (Berwick&Chomsky, 2016) بیش از پیش در کانون توجه مطالعات کمینه‌گرایی قرار گرفته‌است. بر اساس اصل یکسانی، «در نبود شواهد متقن نقیض، فرض بر این است که زبان‌ها [دارای ساختار] یکسان هستند؛ و تنوع‌های زبانی محدود به ویژگی‌های قابل تشخیص گفتار است» (Chomsky, 2000, p. 2). یکی از پیامدهای نظری قائل شدن به همسانی ساختاری در فرافکنی‌های نحوی، امکان صورت‌بندی رابطه تطابق به گونه‌ای یکسان و همگن است^۳؛ چراکه رابطه تطابق بر پایه پیکره‌بندی ساختاری زیر تعریف می‌شود:

^۱ uniformity principle

^۲ strong minimalist thesis

^۳ یکی از بنیان‌های مفهومی نظریه ایکس-تیره از ابتدای طرح آن (Chomsky, 1970; Jackendoff 1977)، تکوین آن (Chomsky, 1986) و باز تعبیر کمینه‌گرایانه آن (Chomsky, 2013)، ضرورت بازنمایی همسانی ساختاری فرافکنی‌های نحوی بوده‌است.



شکل ۱: بستر ساختاری رابطه تطابق

در پیوند با پیکره‌بندی نحوی که فرایند تطابق در آن قابل تعریف است (شکل ۱)، دو نکته از اهمیت کانونی برخوردار است. نکته نخست ناظر بر عمومیت فرایند تطابق در پیکره‌بندی نحوی (۱) است؛ به صورت مشخص، هر ساختار نحوی، بدون در نظر گرفتن نوع مقوله‌های نحوی X ، Y و Z ، پیکره‌بندی و بستر ساختاری لازم برای برقراری فرایند تطابق را شکل می‌دهد. تا زمانی که هسته (کاوشگر X) با مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر در حوزه سازه‌فرمانی خود گروهی (هدف ZP) با مشخصه‌های فای تعبیرپذیر متناظر با خود را بیابد، با آن گروه وارد رابطه تطابق شده، مشخصات فای تعبیرناپذیر خود را ارزش‌گذاری کرده، و در مقابل مشخصه تعبیرناپذیر حالت را بر روی گروه هدف ارزش‌گذاری می‌کند (Svenonius, 2019; Adger & Svenonius, 2011).

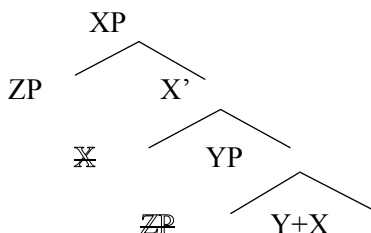
نکته دوم به فرایندهای پسانحوی در نتیجه فرایند تطابق مربوط است. میزبان‌گزینی آوایی مشخصه‌های فای ارزش‌گذاری شده بر روی کاوشگر فرایندی است که ممکن است در صورت آوایی به وقوع بپیوندد. از آن جا که مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر کاوشگر از طریق تطابق با سازه هدف بازیابی، حذف و ارزش‌گذاری شده‌اند، این ارزش‌های جدید به صورت وند تصریفی، بر روی کاوشگر، به میزبان‌گزینی ساخت‌واژی/آوایی نیاز پیدا می‌کنند. زبان‌ها در بحث مورد اشاره به دو شیوه عمل می‌کنند.

دسته‌ای از زبان‌ها که نظام تصریف قوی دارند، حرکت هسته به هسته از نوع Y -به- X دارند. در این زبان‌ها، هسته Y به عنوان نزدیک‌ترین هسته نحوی به X به سمت X حرکت کرده، به آن افزوده شده و میزبان آوایی وند تصریفی روی X واقع می‌شود^۱ (Harizanov & Gribanova, 2019; Pollock, 1989). از سوی دیگر، در دسته‌ای از زبان‌ها، X توانایی جذب Y را ندارد. به منظور میزبان‌گزینی وند تصریفی، این هسته X است که طی فرایند فرونهیشت^۲ به سمت نزدیک‌ترین هسته به خود (Y) حرکت می‌کند (Embick & Noyer, 2001). برآیند آوایی هر

^۱ درزی و انوشه (Darzi & Anoosheh 2010) قرارگیری وندهای تصریف بر روی فعل رادر زبان فارسی به صورت حرکت فعل اصلی در قالب حرکت هسته به هسته در نحو تحلیل کنند.

^۲ lowering

دو گونه حرکت، قرارگیری و نند تصریفی بر روی میزبان Y خواهد بود. با فرض فرانہشت^۱ ZP (و برآوردن اصل فراقنتی گسترده^۲) از یک سو، و قرارگیری و نند تصریفی کاوشگر بر روی میزبان Y، پرونداد آوایی ساختار بازنمایی شده در نمودار (۱) به صورت (۲) خواهد بود:



شکل ۲: خطی سازی ساختار شکل (۱)

در شکل (۲)، ZP و ⌘ رونوشت‌های به‌جای مانده از هدف فرانہشته و کاوشگر فرونہشته را بازنمایی می‌کنند. از این رو، روشن است که فرایندهای نحوی (فرانہشت فاعل) و پسانحوی (خطی سازی) سبب برهم خوردن جایگاه اولیه مقوله‌های واژگانی در پیکره‌بندی رابطه تطابق می‌شوند.

در سطح بینا‌زبانی، همپراشی^۳‌های ساخت‌واژی در حوزه‌های نحوی غیر بندی همچون گروه حرف تعریف، در مقیاسی کوچک‌تر و با فراوانی پائین‌تر یافت می‌شوند. برای نمونه، در زبان‌هایی همچون عربی صورت‌های تصریفی وابسته‌های صفتی در هم‌پراشی با هسته اسمی (در شمار و جنس) قرار دارند؛ این گونه از هم‌پراشی مصداقی از رابطه توافق^۴ است که در وجوه مختلفی از رابطه تطابق/مطابقه قابل بازشناخت است (Baker, 2008; Norris, 2017). با این همه، گونه‌ای از هم‌پراشی ساخت‌واژی بین هسته اسم و مالک در درون گروه اسمی، در برخی زبان‌ها (همچون زبان‌های خانواده فینو-اوگری^۵ و خانواده زبان‌های ترکی^۶)، قابل شناسایی است که از چند سو مشابه هم‌پراشی صورت‌های تصریفی فعل و فاعل در حوزه بند است. این نوع هم‌پراشی، در شکل نظام‌مند آن، در گروه‌های اسمی در زبان‌های هندواروپایی به چشم نمی‌خورد؛ از این رو، در پژوهش‌های متمرکز بر زبان‌های ایرانی کمتر به وجوه ساختاری و معرفی آن پرداخته شده است.

پژوهش حاضر بر توصیف و تحلیل مطابقه مالک و هسته اسمی در درون گروه حرف تعریف

^۱ raising

^۲ extended projection principle (EPP)

^۳ covariation

^۴ concord

^۵ Finno-Ugric languages

^۶ Turkic languages

ترکی آذری متمرکز است. به این منظور، نخست مطابقه/تطابق «فعل و فاعل» در سطح بند در ترکی آذری بررسی شده و سپس در پرتو یافته‌های این بررسی به معرفی و توصیف مطابقه مالک با مملوک و تحلیل و تبیین وجوه رفتاری این نوع مطابقه پرداخته می‌شود.

۳. تطابق در حوزه بند

اصطلاح سنتی «مطابقه فعل با فاعل» به همبستگی شناسه‌های تصریفی فعل با شخص و شمار فاعل در درون بند خودایستا اشاره دارد. همان گونه که در بخش دوم مشاهده شد، آنچه از آن با نام مطابقه فعل با فاعل یاد می‌شود، در واقع برآیند آوایی رابطه نحوی تطابق بین کاوشگر و هدف است؛ در حوزه بند، کاوشگر هسته زمان و هدف نزدیک‌ترین گروه اسمی در دسترس است (نگاه کنید به شکل (۱)). نزدیک‌ترین گروه اسمی که در حوزه سازه‌فرمانی هسته زمان قرار دارد، گروه اسمی کنشگر در جمله‌های معلوم و کنش‌پذیر در جمله‌های مجهول و پادمفعولی^۱ است. در واقع، رابطه تطابق بین هسته زمان و گروه اسمی کنشگر/کنش‌پذیر نمونه بارز رابطه تطابق در نحو زبان‌ها تلقی می‌شود.

رابطه تطابق داد و ستدی نحوی میان کاوشگر و هدف است که در نتیجه آن، هدف مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر کاوشگر را ارزش‌گذاری کرده و در مقابل کاوشگر مشخصه حالت هدف را ارزش‌گذاری می‌کند. به همین سبب، در برنامه کمینه‌گرا، مطابقه و حالت دو روی یک سکه قلمداد می‌شوند که دارای هم‌پراشی هستند. هم‌پراشی مطابقه و حالت در برخی از زبان‌ها به سبب عدم غنای نظام تصریفی/ساخت‌واژی آن‌ها مشهود نیست. با این وجود، شمار بالای زبان‌هایی که در آن‌ها مطابقه و حالت در هم‌پراشی هستند، و همچنین تمایل به دست‌یابی به تعمیم‌های نظری، زبان‌شناسان زایشی را بر آن داشته که این هم‌پراشی را برآیند تبادل مشخصه‌های صوری در نحو، در نتیجه رابطه تطابق، به شکلی جهان‌شمول، فرض کنند. از این جنبه، ترکی آذری در زمره زبان‌هایی قرار می‌گیرد که هم‌پراشی مطابقه و حالت نمود آوایی مشهودی دارد. نمونه‌های (۳) تا (۵) از ترکی آذری همبستگی مطابقه‌نمایی بر روی فعل و حالت‌نمایی بر روی فاعل را به خوبی نشان می‌دهند:

3. (mæn) kitav-ı ?oxod-um

۱.م-خواند ح.مف-کتاب من

«(من) کتاب را خواندم.»

¹ unaccusative

4. (sæn) dunan mæn-1 gurd-u?

۲.م-دید ح.مف-من دیروز تو

«(تو) دیروز من را دیدی؟»

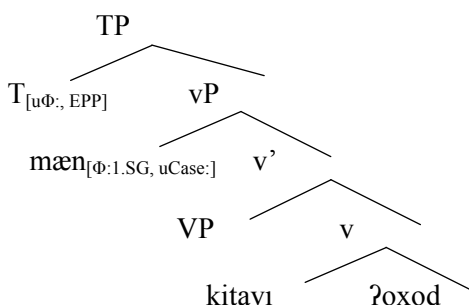
5. (mæn) san-1 gurd-um

۱.م-دید ح.مف-تو (من)

«(من) تو را دیدم.»

همان گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، فعل زمان‌دار در مطابقه کامل با فاعل قرار دارد و از همین رو، شناسه‌های متناظر با مشخصه‌های شخص و شمار فاعل بر روی آن نمایان است. در سوی دیگر، فاعل بندهای مورد اشاره در حالت فاعلی با نمود آوایی صفر قرار دارد. فاعل /mæn/ در بند (۳) دارای حالت فاعلی (با نمود آوایی صفر) و در بند (۴) /mæn-1/ در جایگاه مفعول دارای حالت‌نمای مفعولی است. به همین ترتیب، فاعل /sæn/ در بند (۴) دارای حالت فاعلی و در بند (۵) /sæn-1/ دارای حالت مفعولی است.

آنچه از دیدگاه نظری در تبیین مطابقه فعل با فاعل بسیار اهمیت دارد، موضوعیت یافتن بیکره‌بندی و روابط ساختاری در برقراری رابطه تطابق و نمود آوایی آن (مطابقه) است. بر پایه پنداشت‌های نظری کمینه‌گرا، مطابقه فعل با فاعل و حالت‌نمایی فاعلی بر روی فاعل در جمله (۳) برآیند رابطه تطابق به شیوه زیر است:

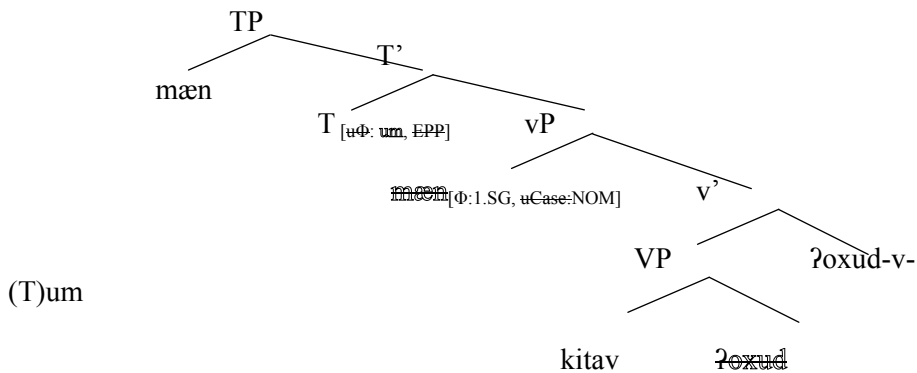


شکل ۳: تطابق هسته زمان و فاعل

به محض ادغام هسته زمان در ساختار، مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر بر روی این هسته کاوش خود را برای یافتن هدفی مناسب که دارای مشخصه‌های فای تعبیرپذیر باشد آغاز می‌کنند. حوزه قابل کاوش، در این مقطع، دامنه سازه‌فرمانی کاوشگر است. در این دامنه، گروه اسمی کنشگر در مشخصگر گروه فعلی پوسته‌ای نزدیک‌ترین هدف فعال (دارای مشخصه تعبیرناپذیر حالت) با

مشخصه‌های تعبیرپذیر فای است^۱. بنابراین، کاوش در این مرحله متوقف شده و تطابق صورت می‌گیرد؛ فاعل مشخصه‌های تعبیرناپذیر هسته زمان (کاوشگر) را به صورت اول شخص مفرد ارزش گذاری می‌کند، و در مقابل هسته زمان مشخصه تعبیرناپذیر حالت را به صورت فاعلی ارزش گذاری می‌کند. سپس مشخصه اصل فرافکنی گسترده بر روی هسته زمان نزدیک‌ترین گروه اسمی / حرف تعریف را جذب و در موضعی ترین رابطه با هسته زمان قرار می‌دهد؛ به بیان دیگر، کنشگر از مشخصگر گروه فعلی پوسته‌ای به مشخصگر گروه زمان جابه‌جا می‌شود.

در پسانحو و در بخش صورت آوایی، به دنبال فرایند واژگذاری^۲، مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر ارزش گذاری شده اول شخص مفرد بر روی هسته زمان به صورت وند تصریفی /-um/ /-im/ نمود می‌یابند. الزام ساخت‌واژی زبان‌ویژه ترکی آذری در میزبان‌گزینی وند تصریف، انگیزه حرکت وند تصریفی را به سمت هسته فعلی، به عنوان میزبان ساخت‌واژی فراهم می‌آورد. این گونه از حرکت پسانحوی، پس از فرایند واژگذاری، از طریق فرونهشت انجام می‌پذیرد. در جریان فرایند فرونهشت، محتوای آوایی هسته فرازین به سمت محتوای آوایی هسته فرودین حرکت کرده و دستخوش ادغام ساخت‌واژی می‌شود؛ و از همین روی است که در پایان وند تصریفی بر روی فعل بند بازنمایی می‌شود. برون‌داد این حرکت، پدیده ساخت‌واژی ثانویه‌ای را رقم می‌زند که به طور سنتی از آن با نام «مطابقه فعل با فاعل» یاد می‌شود. شکل (۴) نمای کلی بند (۳) را پس از اعمال دیگر فرایندهای نحوی و پسانحوی به نمایش می‌گذارد:



شکل ۴: خطی‌سازی

^۱ برای آشنایی بیشتر با هندسه مشخصه‌های فای و جزئیات تطابق در زبان‌های ایرانی نگاه کنید به (Hagbin & Farkhondeh, 2013) و (Karimi, 2017).

^۲ lexical insertion

فرونهشت محتوای آوایی هسته زمان به سوی هسته گروه متمم (هسته فعلی پوسته‌ای) حرکتی پسانحوی است که با تکیه بر پیکره‌بندی ساختاری بند در بخش آوایی قابل صورت‌بندی است. از آن‌جا که فرونهشت حرکتی از نوع هسته-به-هسته است، عناصر واژگانی میان دو هسته تداخل^۱ آوایی ایجاد نمی‌کنند (Arregi&Pietraszko, 2020). برای نمونه، در مثال (۶)، مشاهده می‌شود که قرارگیری گروه قیدی در جایگاه افزوده گروه فعلی پوسته‌ای در برقراری تطابق در نحو و فرونهشت هسته زمان به سمت فعل در پسانحو تداخل ایجاد نمی‌کند. این خود، گواهی بر نقش کانونی پیکره‌بندی ساختاری در تعیین میزبان وند تصریفی بر روی هسته زمان است:

6. (mæn) dunæn ʔutubusun-æn tehran-a gedd-1m

۱.م-رفت به-تهران با-اتوبوس دیروز من

«من دیروز با اتوبوس به تهران رفتم.»

موضوع دیگری که در ارتباط با نظام حالت و مطابقه در ترکی آذری اهمیت داشته و در بخش چهارم به هنگام بحث در مورد همسانی ساختاری بند و گروه حرف تعریف اهمیت می‌یابد، ضمیرانداز بودن این زبان است. همان‌گونه که شواهد ارائه شده نشان می‌دهند، ترکی آذری از دیدگاه ساخت‌واژی دارای نظام تصریف غنی است، و به همین سبب فاعل‌های ضمیری در این زبان توان حذف دارند چرا که مشخصه‌های فای آن‌ها از طریق وند تصریفی بر روی فعل قابل بازیابی است.

در این بخش تلاش شد ویژگی‌های کلی رابطه تطابق در نحو و مطابقه در بخش آوایی با تکیه بر نظام حالت و مطابقه درون-بندی در ترکی آذری شرح داده شود. به طور مشخص، نشان داده شد که مطابقه فعل و فاعل در واقع برآیند آوایی رابطه ساختاری تطابق میان کاوشگر (هسته زمان) و هدف (فاعل/مفعول) در درون بند است. نمود وند تصریفی/مطابقه بر روی فعل در واقع نتیجه فرونهشت هسته زمان به سمت هسته فعل پوسته‌ای و برآورده‌سازی بایستگی‌های ساخت‌واژی در پسانحو است.

۴. تطابق در حوزه گروه اسمی

در این بخش، به توصیف و تحلیل شواهدی از ترکی آذری می‌پردازیم که در مطالعه نظام مطابقه، تطابق نحوی و بازنمایی پیکره‌بندی نحوی دخیل در این فرایندها از اهمیت کانونی برخوردار است. مشاهده نظام حالت و مطابقه در زبان‌هایی همچون مجاری و استونیایی و ضرورت نظری قائل شدن به همسانی ساختاری فراقنتی‌های بند و گروه اسمی در بازنمایی مطابقه (ساخت‌واژی)، زمینه لازم

^۱ interference

برای طرح فرضیه گروه حرف تعریف را به وسیله آبنی (Abney, 1987) توسط پدید آورد. از آنجا که دامنه تجربی این فرضیه محدود به زبان‌هایی است که در آن مطابقه مالک با مملوک نمود آوایی دارد، مشاهده و تبیین چنین الگویی در ترکی آذری بر درستی این فرضیه گواهی می‌دهد.

۴. ۱. مطابقه مالک و مملوک

گروه اسمی در ترکی آذری هسته-پایانی است. صفت، عدد و ضمیر اشاره/کمیت‌نما، در صورت حضور، به ترتیب قبل از هسته اسمی قرار می‌گیرند. نمونه‌های زیر به ترتیب به صورت انباشتی، گسترش فرافکنی گروه اسمی را نشان می‌دهند:

7. maʃən

ماشین

8. qədeme maʃən

ماشین قدیمی

9. ʔutʃ (dana) qədeme maʃən

ماشین قدیمی (رابط شماری) سه

10. owu ʔutʃ (dana) qədeme maʃən

ماشین قدیمی (رابط شماری) سه آن

در صورتی که مالک در گروه اسمی حضور داشته باشد، پیش از سایر وابسته‌های اسمی در جایگاه نخست قرار می‌گیرد:

11. Muhsen(i)n owu ʔutʃ (dana) qədeme maʃən-(i)e

ماشین قدیمی (رابط شماری) سه آن محسن

«آن سه (عدد) ماشین قدیمی محسن»

در نمونه (۱۱) مشاهده می‌شود که مالک در ابتدای گروه حرف تعریف قرار دارد. از منظر تجربی، نکته مهم، تغییر صورت آوایی مالک از یک سو و هسته اسمی در سوی دیگر است. اسم خاص *Muhsen* در جایگاه مالک با پسوند $-i(n)$ و هسته اسمی *maʃən* با پسوند $-(i)e$ - دستخوش افزایش صورت آوایی شده‌اند.

همان‌گونه که اسم مالک در نمونه (۱۱) را با ضمائر شخصی جایگزین نمایم، نمایی کامل‌تر از تنوع ساخت‌واژی مالک و هسته اسمی آشکار می‌گردد (برای سهولت در مشاهده تغییرات ساخت‌واژی در صورت مالک و هسته اسمی، از تکرار وابسته‌های اسمی صفت، عدد و ضمیر اشاره پرهیز می‌شود):

12. mæn-ım owu ? uč (dana) qædeme kitav-ım
«آن سه کتاب قدیمی من»

sæn-ıy(n) kitav-ıy(n) «آن سه کتاب قدیمی تو»

تو»

?uno-y(n) kitav-ı «آن سه کتاب قدیمی او»

biz-ım kitav-ımız «آن سه کتاب قدیمی ما»

ما»

siz-ıy(n) kitav-ı(n)z «آن سه کتاب قدیمی شما»

شما»

?ular-ı(n) kitaf-ları «آن سه کتاب قدیمی آنها»

آنها»

تنوعات صوری در صیغگان (۱۲) نمایانگر آن است که گروه اسمی در جایگاه مالک حالت ملکی می‌پذیرد که به صورت حالت نمای /-ın/i(n)/ بر روی مالک تجلی می‌یابد. در مقابل، هسته اسمی /kitav/ (کتاب) و ندهای تصریفی مطابقه را در هم‌پراشی با مشخصه‌های شخص و شمار مالک می‌پذیرد. به بیان دیگر، در ترکی آذری «مطابقه (هسته) اسم با مالک» در گروه اسمی در تناظر با مطابقه فعل با فاعل در حوزه بند قرار دارد.

۴.۲. همسانی ساختاری و تطابق ملکی

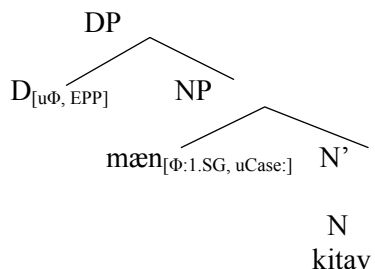
هم‌پراشی مشخصه‌های مالک و مملوک، در برنامه کمینه‌گرا، مصداق تطابق نحوی کاوشگر و هدف در حوزه گروه حرف تعریف است^۱. در برنامه کمینه‌گرا مطابقه و حالت دو روی یک سکه قلمداد می‌شوند؛ به تعبیری نظری، مطابقه و حالت برآیند محاسباتی یک فرایند واحد در نحو محض^۲ هستند. با این پیش‌انگاشت نظری، پیش‌بینی می‌شود که همان بیکره‌بندی ساختاری، که در

^۱ گونه‌ای از همپراشی ساخت‌وازی بین هسته اسم و وابسته‌های صفتی و ضمیر اسم در زبان‌ها یافت می‌شود که از آن با نام توافق (concord) یاد می‌شود. زبان‌شناسان در مورد ساخت‌وازی یا نحوی بودن فرایند توافق ندارند. بدون توجه به دغدغه‌های نظری در باره حوزه فعالیت فرایند توافق، از دید توصیفی، توافق در شکل سرنمون آن عبارت است از به اشتراک‌گذاری مشخصه‌های شمار و جنس (و نه شخص) هسته اسمی و وابسته‌های صفتی. همان گونه که داده‌های (۷) تا (۱۲) نشان می‌دهند، وابسته‌های صفتی در گروه اسمی آذری هیچگونه توافق ساخت‌وازی با هسته اسم را به نمایش نمی‌گذارند.

^۲ narrow syntax

بستر آن مطابقه فعل و فاعل در حوزه گروه بند/گروه زمان انجام می‌پذیرد، در فرایند مطابقه اسم و مالک در حوزه گروه حرف تعریف هم برقرار باشد، و از این رهگذر هم‌سانی ساختاری فرافکنی‌های گروه زمان و گروه حرف تعریف تقویت و تایید می‌گردد.

بر اساس موارد گفته‌شده، بازنمایی ساختار نحوی گروه حرف تعریف ترکی آذری که در آن مطابقه اسم و مالک صورت می‌پذیرد به صورت شکل زیر است:

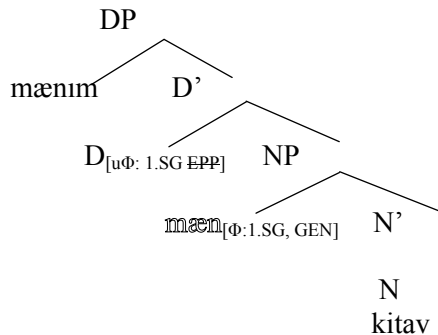


شکل ۵: ساختار نحوی گروه حرف تعریف ترکی آذری

ساختار گروه حرف تعریف (شکل (۵))، در این تحلیل، دارای همسانی ساختاری با ساختار گروه زمان/بند است؛ به بیان دیگر، فرافکنی هر دو گروه حرف تعریف و گروه زمان مبتنی بر ساختار شکل (۱) است؛ بنابراین، برقراری تطابق در هر دو حوزه مبتنی بر پیکره‌بندی ساختاری واحدی است. به صورتی آشکار، در ساختار بالا، هسته نقشی حرف تعریف، همچون هسته زمان در بند، دارای مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر و مشخصه اصل فرافکنی گسترده است. از همین روی، هسته حرف تعریف به محض ادغام در اشتقاق، نقش کاوشگر را در دامنه سازه‌فرمانی خود بازی می‌کند. کاوشگر حرف تعریف برای یافتن هدفی فعال با مشخصه‌های فای متناظر و تعبیرپذیر، گروه اسمی/حرف تعریف مالک در مشخص‌گر گروه اسمی را رصد کرده و با آن وارد رابطه تطابق می‌شود.

گروه اسمی مالک در مشخص‌گر گروه اسمی، در همان رابطه ساختاری با هسته حرف تعریف قرار می‌گیرد که گروه اسمی کنشگر در مشخص‌گر گروه فعلی پوسته‌ای با هسته زمان در آن قرار دارد. در هر دو پیکره‌بندی، گروه اسمی کنشگر و مالک نزدیک‌ترین هدف‌های فعال به کاوشگر هستند. در تکمیل نمای همسانی ساختاری تطابق، گروه اسمی مالک به عنوان یک عبارت ارجاعی دارای مشخصه‌های فای تعبیرپذیر است؛ این هدف همچنین به جهت دارا بودن مشخصه حالت تعبیرناپذیر فعال است. با برقراری رابطه تطابق، مالک/هدف مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر کاوشگر (هسته حرف تعریف) را بازبینی و ارزش‌گذاری می‌کند؛ در مقابل، کاوشگر مشخصه حالت مالک/هدف را به صورت ملکی بازبینی و ارزش‌گذاری می‌کند. این وضعیت معادل ارزش‌گذاری

مشخصه‌های تعبیرناپذیر فای زمان توسط کنشگر و در مقابل دادن حالت فاعلی به کنشگر توسط هسته زمان است. به طور کلی، کاوشگر هسته زمان حالت فاعلی و کاوشگر حرف تعریف حالت ملکی به هدف خود می‌دهد. همزمان با تطابق، مشخصه اصل فرافکنی گسترده بر روی کاوشگر، نزدیک‌ترین سازه حاوی مشخصه حرف تعریف را جابه‌جا و در موضعی‌ترین رابطه با کاوشگر قرار می‌دهد؛ برآیند بر آوردن مشخصه اصل فرافکنی گسترده جابه‌جایی و قرار گرفتن مالک در مشخصگر گروه حرف تعریف است. حرکت مالک در جهت بازبینی مشخصه اصل فرافکنی گسترده و باز ادغام آن در مشخصگر گروه حرف تعریف تبیین‌کننده قرارگیری مالک در جایگاه نخست توالی واژه‌ها در گروه حرف تعریف ترکی آذری است. ساختار گروه اسمی/حرف تعریف پس از جابه‌جایی مالک به صورت زیر خواهد بود:



شکل ۶: ساختار گروه اسمی/حرف تعریف پس از جابه‌جایی مالک

اکنون، در پسانحو، پس از فرایند واژگذاری، مشخصه‌های تعبیرناپذیر فای ارزش‌گذاری شده بر روی کاوشگر هسته حرف تعریف به صورت وند تصریفی نمود آوایی می‌یابند. با چشم‌پوشی از پاره‌ای از تغییرات و دگرگونی‌های آوایی، وندهای مطابقه فعل با فاعل و وندهای مطابقه اسم با مالک مجموعه‌ای یکسان و همسان را تشکیل می‌دهند:

gedd-ım	«رفتیم»
gedd-ey	«رفتگی»
gedd-ı	«رفت»
gedd-ıx/k	«رفتیم» ^۱

^۱ صورت آوایی وند تصریفی اول شخص جمع در مطابقه فعل با فاعل (-ıx/ -ık) با وند تصریفی اول شخص جمع در مطابقه اسم با مالک (-ız) تفاوت دارد. زبان‌های خانواده ترکی به دلیل ماهیت پیوندی خود و استفاده زیاد از وندافزایی در ساختار ساخت‌وازی واژگان دارای قواعد واج‌شناختی متعدد در مرز تکواژها هستند. همگونی‌های کامل و ناقص، پیش‌رو و پس‌رو از نمونه‌های تبدیل‌های واجی بی‌شمار در این خانواده زبانی هستند. در مورد بالا و موارد

gedd-(ey)iz «رفتید»

gedde-læ(r) «رفتند»

14. kitav-im «کتابم»

kitav-ey «کتابت»

kitav-ı «کتابش»

kitav-im-iz «کتابمان»

kitav-ey-iz «کتابتان»

kitaf-læri «کتابشان»

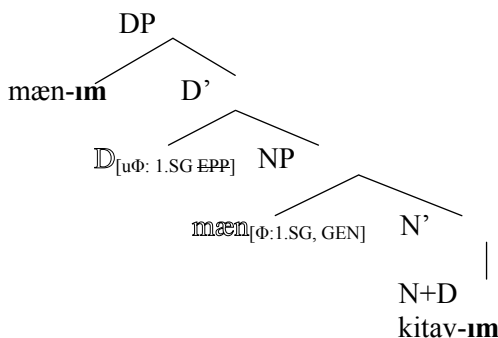
همسانی ساخت‌واژی وندهای مطابقه در بند و گروه اسمی با این تحلیل قابل تبیین است که در هر دو حوزه، این وندها، در واقع، بازنمایی آوایی مشخصه‌های فای تعبیرناپذیر بر روی هسته‌ای نقشی هستند که در نتیجه تطابق با یک هدف واحد با مشخصه‌های فای تعبیرپذیر ارزش‌گذاری شده‌اند.

همان‌گونه که وند تصریفی بر روی هسته زمان، به دنبال واژگذاری در پسانحو، در طی فرایند فرونهشت به سمت هسته گروه فعلی حرکت کرده و به آن پیوسته می‌شود، وند تصریفی بر روی هسته حرف تعریف نیز به منظور میزبان‌گزینی در اثر فرونهشت به سمت هسته گروه اسمی (مملوک) حرکت کرده و به آن منضم می‌شود^۱. برآیند آوایی حرکت هسته حرف تعریف به هسته اسمی وضعیتی را فراهم می‌آورد که در اصطلاح سنتی با عنوان مطابقه هسته اسم با مالک از آن یاد می‌شود. در واقع، مطابقه فعل با فاعل نمود ساخت‌واژی تطابق نحوی میان هسته زمان و فاعل در سطح بند است. به همین شکل، مطابقه مملوک با مالک نمود ساخت‌واژی تطابق نحوی میان هسته حرف تعریف و مالک در سطح گروه اسمی است. بنابراین توزیع ساخت‌واژی وند مطابقه بر روی فعل (در سطح بند) و مملوک (در سطح گروه اسمی) در واقع نتیجه میزبان‌گزینی پسانحوی (آوایی) وندهای تصریفی است؛ به بیانی دیگر، نقش فعل در مطابقه درون بند و مملوک در مطابقه

دیگر، ردپای قواعد همگون‌سازی در تنوعات صوری تکواژها قابل شناسایی است. در مورد بالا، آشکارا به نظر می‌رسد که واج (x/k) در وند (ix/ ik) در مجاورت وند (im) دستخوش پیشین‌شدگی (پیشکامی‌شدگی) شده باشد.

^۱ لازم به گفتن است که بر اساس امبیک و نویر (Embick & Noyer, 2001) ساختار سلسله‌مراتبی اشتقاق یافته در نحو محض پس از فرایند واژگذاری در پسانحو همچنان در دسترس فرایند فرونهشت قرار دارد. پس از تکمیل فرایند فرونهشت، ساختار سلسله‌مراتبی خطی‌سازی می‌شود و از آن پس سایر فرایندهای پسانحوی همچون جابجایی موضعی (local dislocation) بر زنجیره‌های خطی‌شده اعمال می‌شوند.

درون گروه حرف تعریف نقش واسطه‌ای جهت فراهم نمودن پایه‌ای ساخت‌واژی برای بازنمون آوایی وندهای تصریفی است:



شکل ۷: میزبان‌گزینی پسانحوی (آوایی) وندهای تصریفی

۴.۳. پیش‌بینی‌های نظری

تحلیل ارائه شده در خصوص همسانی ساختاری گروه حرف تعریف و گروه زمان در برقراری تطابق، در ترکی آذری دست‌کم، سه پیش‌بینی نظری را به دنبال دارد که قابل راستی‌آزمایی هستند. نخست، همان‌گونه که مطابقه مملوک با مالک را نتیجه آوایی مشخصه‌های فای بر روی کاوشگر حرف تعریف در نظر بگیریم، پیش‌بینی می‌شود که هسته حرف تعریف شرایط تجویز ساختاری و بازیابی ضمیر ناملفوظ را برآورده سازد. همان‌گونه که هسته قوی زمان در زبان‌های ضمیر-انداز شرایط تجویز ساختاری (حاکمیت) و بازیابی (شخص و شمار) ضمیر ناملفوظ (*pro*) را فراهم می‌آورد (Rizzi, 1986, Camacho, 2013)، هسته حرف تعریف نیز، طبق تعریف، می‌بایست همین شرایط را برآورده سازد؛ گروه‌های حرف تعریف ترکی آذری این پیش‌بینی را تأیید می‌کنند. به بیان دیگر، در ترکی آذری، مالک می‌تواند هم به صورت ضمیر ناملفوظ و هم ضمیر آشکار حضور داشته باشد^۱:

15. a. sæn-ı(n) kitav-yı(n) «کتاب تو» a'. (*pro*)

kitav-yı(n) «کتاب تو»

b. ?ular-ı(n) kitaf-ları «کتاب آن‌ها» b'. (*pro*)

kitaf-ları «کتاب آن‌ها»

پیش‌بینی دوم به این صورت است که، چنانچه مطابقه هسته اسم (مملوک) با مالک برآیند

^۱ این وضعیت در تقابل با وضعیت موجود در سایر زبان‌های ایرانی قرار دارد. در زبان‌های ایرانی، همچون فارسی، ضمیر ملکی و بی‌بست ملکی (وابسته) در توزیع تکمیلی قرار دارند: کتاب ما/ کتابمان/ کتابمان ما

آوایی مشخصه‌های فای بر روی هسته حرف تعریف و سپس فرونهشت آن به منظور میزبان‌گزینی به سمت هسته اسم باشد، محتوای آوایی اقلام واژگانی بین هسته حرف تعریف و هسته اسم در فرونهشت وند نباید تداخل ایجاد کند. این پیش‌بینی از آن‌جا اهمیت می‌یابد که فرونهشت فرایندی آوایی است که در پسانحو، پس از واژفزایی، بر روی ساختارهای نحوی عمل کرده و موجب جابه‌جایی مقوله‌های واژگانی زیر گره‌های پایانی هسته‌ای می‌شود. به بیان دیگر، فرونهشت حرکت یک هسته به سمت هسته‌ای است که بر آن سازه‌فرمانی دارد. بنابراین، با توجه به حساسیت فرایند فرونهشت به ساختارهای نحوی و نه توالی خطی اقلام واژگانی، قرارگیری افزوده صفتی مابین هسته حرف تعریف و هسته اسم (مملوک) در حرکت (فرونهشت) تداخلی ایجاد نمی‌کند (Embick&Noyer 2001):

16. Muhsen-i(n) bowok kitav-1

۳م- کتاب بزرگ ح.مل-محسن

«کتاب بزرگ محسن»

17. biz-ım bowok kitav-ımız

۱ج- کتاب بزرگ ح.مل-ما

«کتاب بزرگ ما»

پیش‌بینی سوم دلالت بر عدم تبعیت فرونهشت از محدودیت حرکت هسته^۱ است. بر اساس محدودیت حرکت هسته، حرکت هر هسته می‌بایست از طریق نزدیک‌ترین هسته‌ای که بر آن سازه‌فرمانی دارد انجام پذیرد (Travis, 1984, Dékány, 2018). در شکل امروزی آن، شرط پیوند کمینه^۲، همین اثرات محدود کننده را تضمین می‌کند. در مقابل، از آن‌جا که فرونهشت حرکت هسته به هسته از نوع پسانحوی/آوایی است و بنابراین شرط گسترش ریشه^۳ اشتقاقیات نحوی بر آن مترتب نیست، از شرط حرکت کمینه پیروی نمی‌کند. همان‌گونه که در نمونه زیر (تکرار نمونه (۹)) مشاهده می‌شود، حضور هسته‌های نقشی شمار/کمیت‌نما و ضمیر اشاره تداخلی در فرونهشت هسته حرف تعریف به هسته اسم ایجاد نمی‌کنند.

18. Muhsen-iy(n) ouyu ʔutʃ (dana) qædeme maʃæn-(i)e

ماشین قدیمی (عدد) سه آن محسن

«آن سه ماشین قدیمی محسن»

بر اساس انگاشت‌های متعارف نظری (Abney, 1987; Longobardi, 1994; Preminger)

¹ head movement constraint

² minimal link condition

³ root extension condition

(2020; Ritter, 1991)، عدد و ضمیر اشاره به ترتیب هسته فرافکنی‌های عدد و ضمیر اشاره را تشکیل می‌دهند. این هسته‌های نقشی در نقشه نگاری^۱ ساختاری گروه اسمی، در میانه هسته اسم و هسته حرف تعریف، به صورت (۱۹) قرار می‌گیرند:

19. [DP D > DemP > NumP > NP]

در صورتی که فرونهشت وند تصریف از محدودیت ساختاری حرکت هسته، آن گونه که در نحو محض برقرار است پیروی می‌کرد، انتظار داشتیم در نمونه (۱۸) وند تصریف یا به صورت انباشتی به همراه هسته‌های میانی بر روی مملوک نمود پیدا می‌کرد (a۲۰) و یا پس از حرکت به سمت اولین هسته تحت سازه فرمانی خود (هسته ضمیر اشاره و یا هسته عدد) بر روی آن قرار می‌گرفت (b, c۲۰).

20a. *Muhsen-iy(n) (dana) qædeme mafəŋ-(i)e-ouyu-ʔutʃ

20b. *Muhsen-iy(n) ouyu-(i)e ʔutʃ (dana) qædeme mafəŋ

20c. *Muhsen-iy(n) ouyu ʔutʃ-(i)e (dana) qædeme mafəŋ

عدم انباشت هسته‌های عدد و ضمیر اشاره به همراه وند تصریف از یک سو، و عدم قرار گیری وند تصریف بر روی هسته‌های میانی از سوی دیگر، دلالت بر عدم پیروی فرونهشت از شرط پیوند کمینه (محدودیت حرکت هسته) دارد. با توجه به اینکه این حرکت از نوع پسانحوی و آوایی است، این مسئله امری طبیعی و سازگار با انگاره دستوری مفروض در اشتقاق زنجیره‌های زبانی است.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی مطابقه مملوک با مالک در درون گروه اسمی و ترسیم مختصات نحوی و ساخت‌واژی آن در زبان ترکی آذری پرداخت. مطابقه هسته اسم (مملوک) با مالک و نمود آن به وسیله وندهای تصریفی بر روی هسته اسمی زمینه مناسبی را برای بررسی پیکره‌بندی ساختاری و سازوکارهای دخیل در مطابقه درون-اسمی پدید می‌آورد. تحلیل ویژگی‌های ساخت‌واژی و نحوی مطابقه مملوک با مالک نشان داد که مطابقه در درون گروه اسمی مبتنی بر رابطه تطابق در نحو محض است و بر همان پیکره‌بندی ساختاری قابل صورت‌بندی است که مطابقه فعل با فاعل در سطح بند را رقم می‌زند. از سوی دیگر، بر پایه شواهدی از پیروی نکردن فرونهشت وندهای تصریفی از شرط پیوند کمینه و عدم تداخل افزوده‌های صفتی در فرایند ارزش‌گذاری

¹ cartography

مشخصه‌های فای استدلال شد که مطابقه مملوک با مالک در واقع برآیند ساخت‌واژی رابطه تطابق نحوی میان هسته حرف تعریف و سازه مالک در حوزه سازه‌فرمانی این هسته است. بنابراین، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مطابقه ساخت‌واژی نتیجه رابطه تطابق در نحو است و صرف نظر از نوع فرافکنی (گروه زمان/گروه اسمی) که مطابقه در آن برقرار است، پیکره‌بندی ساختاری که تطابق در آن تعریف می‌شود یکسان است و این امر به نوبه خود دلالت بر تقارن ساختاری فرافکنی‌های نحوی مختلف دارد.

فهرست منابع

- درزی، علی و مزدک انوشه (۱۳۸۹). «حرکت فعل اصلی در فارسی (رویکردی کمینه‌گرا)». زبان‌پژوهی. سال ۲. شماره ۳. صص ۵۵-۲۲.
- حقیقین، فریده و صغری فرخنده (۱۳۹۱). «بررسی چگونگی بازبینی مشخصه‌های فای و مطابقه فاعل و فعل در فارسی». پژوهش‌های زبانی. دوره ۲. شماره ۳. ۲۱-۱.

References

- Abney, S. (1987). *The English Noun Phrase in Its Sentential Aspect*. PhD thesis. Massachusetts Institute of Technology, Massachusetts, USA.
- Adger, D., & Svenonius, P. (2011). Features in Minimalist Syntax. In C. Boeckx (ed.) *The Oxford handbook of linguistic minimalism*, (Vol. pp.1, 27-51). Oxford: Oxford University Press
- Arregi, K., & Pietraszko, A. (2020). The ups and downs of head displacement. *Linguistic Inquiry*, 52 (2), 241-290. retrieved at <https://ling.auf.net/lingbuzz/004096>.
- Baker, M. (2008). *The Syntax of Agreement and Concord*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Baker, M. (2015). *Case: Its Principles and Parameters*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Berwick, R., Chomsky, N. (2016). *Why Only Us? Language and Evolution*. MA: MIT Press.
- Camacho, J. (2013). *Null Subjects*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chomsky, N. (1970). Remarks on nominalization. In R. Jacobs and P. Rosenbaum (eds.) *Reading in English Transformational Grammar* (pp. 184-221). Waltham: Ginn.
- Chomsky, N. (1986). *Knowledge of Language: Its Nature, Origin, and Use*. New York: Praeger.
- Chomsky, N. (2000). Minimalist inquiries: the framework. In R. Martin, D. Michaels & J. Uriagereka (Eds.), *Step by Step: Essays on Minimalist Syntax in Honor of Howard Lasnik* (pp. 89-155). Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Chomsky, N. (2013). Problems of Projection. *Lingua*, 130, 33-49.
- Darzi, A., Anooosheh, M. (2010). The Main Verb Movement in Persian A Minimalist Approach. *Zabanpazhuhi*, 2(3), 21-55. [In Persian].

- Dékány, É. (2018). Approaches to head movement: A critical assessment. *Glossa*, 3(1), 65. doi: <http://doi.org/10.5334/gjgl.316>
- Embick, D., R., Noyer. 2001. Movement Operations after Syntax. *Linguistic Inquiry*, 32, 555–595.
- Haghibin, F., Farkhondeh, S. (2013). A study of Checking ϕ - features and Subjebt – Verb Agreement in Persian. *Language Research*, 3(2), 1-21 [In Persian].
- Harizanov, B., & Gribanova, V. (2019). Whither head movement? *Natural Language and Linguistic Theory* 37, 461–522.
- Hiraiwa, K. (2005). Dimensions of Symmetry in Syntax: Agreement and Clausal Architecture. PhD thesis. Massachusetts Institute of Technology, Massachusetts, USA.
- Jackendoff, R. (1977). *X-bar-Syntax: A Study of Phrase Structure*. Linguistic Inquiry Monographs. Cambridge, MA: MIT Press.
- Karimi, Y. (2017). Remarks on Ergativity and Phase Theory. *Studia Linguistica* 71(3), 241-265.
- Longobardi, G. (1994). Reference and Proper Names: A Theory of N-movement in Syntax and Logical form. *Linguistic Inquiry*, 609-665.
- Norris, M. (2017). Description and analyses of nominal concord (parts I–II). *Language and Linguistics Compass* 11 (11), 1-20.
- Pollock, J-Y. (1989). Verb Movement, Universal Grammar and the Structure of IP. *Linguistic Inquiry*, 20, 365–424.
- Preminger, O. (2020). *Functional Structure in the Noun Phrase: Revisiting Hebrew Nominals*. *Glossa* (to appear).
- Ritter, E. (1991). Two Functional Categories in Noun Phrases: Evidence from Modern Hebrew, in Rothstein, S. (ed.), *Syntax and Semantics 25: Perspectives on Phrase Structure* (pp. 37-62). New York: Academic Press.
- Rizzi, L. (1986). Null objects in Italian and the theory of *pro*. *Linguistic Inquiry*, 7, 501–557.
- Svenonius, P. (2019). Syntactic Features. Oxford Research Encyclopedia of Linguistics. DOI: 10.1093/acrefore/9780199384655.013.179
- Travis, L. (1984). Parameters and Effects of Word Order Variation. PhD thesis. Massachusetts Institute of Technology, Massachusetts, USA.

